



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



نقد و بررسی

# آیین بهائیت

عزالدین رضا نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نقد و بررسی آیین بهائیت

نویسنده:

عزالدین رضائزاد

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نقد و بررسی آیین بهائیت
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	مقدمه
۷	ایدئولوژی بانی گری و بهایی گری
۷	جهت گیری کلی ایدئولوژی بهائیه
۸	تحلیل جامعه شناختی از شکل گیری بهائیت
۹	ادعای الوهیت
۱۰	تحلیل و بررسی
۱۱	گزارش یکی از مبلغان بهائیت درباره‌ی ادعای الوهیت بهاء
۱۳	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نقد و بررسی آیین بهائیت

### مشخصات کتاب

پدیدآورندگان: عزالدین رضانزاد (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: بهائیت

فرقه های شیعه

تاریخ معاصر ایران

شریک در الوهیت

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ، ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی و بعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: نشریه انتظار، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۵۳۴ - ۵۴۶

شناسه: [oai:tebyan.net/۷۲۲۳](http://oai.tebyan.net/۷۲۲۳)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱۵

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱۵

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

### اشاره

در شماره های پیشین به معرفی فرقه ی بهائیت و گوشه هایی از انحرافات آن پرداختیم. در این نوشتار به مقوله های ایدئولوژی بابی گری و بهایی گری، جهت گیری کلی ایدئولوژی بهائیه، تحلیل جامعه شناختی از شکل گیری بهائیت و بالأخره مسئله ی ادعای الوهیت پرداخته شده و نقد و بررسی آن ارائه می شود.

### مقدمه

در شماره های پیشین مجله، در موضوع «بابیت» و تاریخچه ی این مسلک استعماری و پایه گذاری تشکیل مسلک انحرافی دیگر -

بهائیت - مطالبی ارایه شد. بهائیت، آیینی بی‌بها، ادعایی دروغین، آموزه‌هایی استعماری و ابزار گمراهی مردم در دست قدرت‌های استکباری است. در بخش پیشین این سلسله نوشتار به نمونه‌هایی از نقش استعمار در شکل‌گیری بهائیت و وابستگی این مسلک به استعمارگران عصر اشاره شد. در این بخش به نقل، نقد و بررسی برخی از ادعای ناروای این فرقه پرداخته می‌شود تا آن دسته از خوانندگان که می‌خواهند اطلاعات بیش‌تری به دست آورند، به عمق پوچی و انحراف آن پی ببرند و دریابند که چرا و چگونه مستکبران و سیاستمداران غربی از این گروه حمایت می‌کنند، در مجامع بین‌المللی با نام دفاع از حقوق بشر یا آزادی ادیان، از حقوق از دست رفته و مظلومیت بهائیان دروغ‌پرداز و فاسد داد سخن می‌دهند و در حقیقت تلاش می‌کنند تا میان مسلمانان تفرقه اندازی کنند. ناگفته نماند که هشیاری و دقت نظر اندیشمندان و حاکمان مسلمان می‌تواند همراه با آگاهی بخشیدن به نسل جوان، از انحراف و گرفتار شدن آنان در دام مسلک‌های ساختگی از - جمله بهائیت - جلوگیری به عمل آورد.

### ایدئولوژی بایی گری و بهایی گری

با اعدام باب در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ ه. ق، مسلک باییت به تزلزل و تشتت دچار شده و گرچه عده‌ای از باییان نخستین پس از پی بردن به ادعاهای بی‌اساسی چون نسخ شریعت اسلام و ظهور آیین جدید، دست از این آیین کشیدند، ولی برخی از طرفداران آن با انگیزه‌های گوناگون، از جمله حمایت‌های گوناگون بعضی از کشورها و مخالفان اسلام و تشیع، باییت را در شکل حمایت از جانشین باب - میرزا یحیی (صبح ازل) - پی‌گیری کردند. پس از تبعید این گروه به بیرون از کشور ایران، آیین خود را در بغداد، ترکیه، فلسطین اشغالی و قبرس تبلیغ می‌کردند تا آن که ادعاهای جدید حسین علی نوری با استقرار در «حیفا» ی سرزمین اشغالی رسماً مورد توجه رژیم غاصب صهیونیستی و استعمارگران قرار گرفت. آموزه‌های غلط و توهم‌آمیز علی محمد شیرازی (باب) به دست یحیی (صبح ازل) مورد توضیح و تفسیر قرار گرفت. ازلیان با مرام جدید بایی خو گرفته، درصدد بودند تا ایدئولوژی باییه را حفظ کنند، ولی حسین علی نوری پس از فراهم کردن زمینه‌های لازم برای اعلان موجودیت، دعاوی چندی را نیز اعلام نموده و ایدئولوژی بهائیه را بر مبنای نسخ شریعت پیشین مطرح کرد. او هر جا به تناسب موقعیت، مقام و مخاطبان، دستورهایی را صادر می‌کرد که به ایدئولوژی آنان معروف گردید. بی‌ارزشی و پوچی مفاهیم این ایدئولوژی در بررسی و تحلیل بعضی از آموزه‌های آن نشان داده خواهد شد.

### جهت‌گیری کلی ایدئولوژی بهائیه

فرقه‌های انحرافی با اهدافی متفاوت پدید می‌آیند و در زمینه‌های گوناگونی فعالیت می‌کنند. در قرن سیزدهم هجری خاورمیانه شاهد رویداد و خیزش مرام‌ها و مسلک‌های جدید بوده است. ظهور فرقه‌های وهابیت در حجاز، ترویج افکار لیبرالیستی جدایی دین از سیاست، ملی‌گرایی در کشورهای آسیایی به ویژه در ترکیه، ادعاهای دروغین ملا-غلام‌احمد قادیانی در هندوستان و بالأخره ظهور باییه و بهائیه در ایران، هدف‌های مشترکی را تعقیب می‌کردند. همه فرقه‌های گمراه و گمراه‌کننده با سرسپردگی به قدرت‌های استکباری و شیطانی با هدف مشترک ایجاد تفرقه میان صفوف مسلمانان و تزلزل در باورها و افکار آنان و در نتیجه، از بین بردن اسلام یا تبدیل اسلام ناب محمدی به یک مکتب بشری یا فکری کهنه و مندرس و... بوده است. از سوی دیگر، هر یک از فرقه‌ها در خاستگاه جغرافیایی خود، هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کردند. در شرایط اجتماعی - فرهنگی ایران که بیش‌تر مردم آن را شیعه امامیه تشکیل می‌دادند و با توجه به این که در مکتب تشیع مباحث اجتهاد و تقلید رواج داشته، مردم جایگاه مرجعیت عالمان دین‌شناس را ارج می‌گذاشتند، هم‌چنین بسیاری از سنن اجتماعی - فرهنگی با مفاهیم دینی آمیخته شده بود. در چنین وضعیتی، جهت‌گیری کلی ایدئولوژی فرقه‌های باییه و بهائیه، جداسازی ملت ایران از مراجع تقلید و مشغول کردن آنان به مکتبی بشری بود؛

مکتبی که جنبه‌های غیرعقلانی آن به عقلانیتش می‌چربد و به تدریج از صحنه‌های عملی زندگی اجتماعی و سیاسی خارج می‌شود. در نهایت، گرایش به این ایدئولوژی موجب دور شدن مردم از دین و دینداری شده، پیوستن به مکاتب غیردینی را آسان می‌کند. پیدایش ایدئولوژی جدید، با ارایه‌ی تغییراتی تازه در تفسیر اصول و فروع دین، جدایی آن از دین اسلام و شیعه را به دنبال داشت. گرچه انحراف و بدعت جدید با عنوان «رکن رابع» و «ادعای نیابت خاصه» در عصر غیبت کبری، زمینه‌ی مناسبی برای انحراف بزرگ‌تری به نام «باییت» آماده کرده بود، ولی پدید آمدن آیین و مناسک تازه در فروع دین، پیروان علی محمد باب را از دیگر مسلمانان و شیعیان در زندگی عملی و اجتماعی نیز جدا نمود. از سوی دیگر، حکم تکفیر و ارتداد علی محمد شیرازی و پیروان وی از سوی علمای شیعه در ایران و عراق، و سپس با فتوای عالمان مسلمان در کشورهای دیگر، موجب شد تا دنیای اسلام با بدعت تازه‌ای که استعمارگران آن را پایه گذاشته بودند و از آن حمایت می‌کردند، آشنا شود. ناگفته نماند که در این عرصه، با ادعای دروغین حسین علی نوری (بهاءالله) و افاضات او، باییه از حالت سنتی خارج و به آداب و رسوم متناسب با زمانه نزدیک‌تر شد. این نزدیکی، با آسان‌تر کردن احکام مربوط به روابط جنسی و وجهه‌های ظاهرا انسان‌دوستانه در مجازات دزدان و حکم به عدم سوزاندن کتب، [۱] گسترش روابط با اجانب، لغو حکم جهاد و مبارزه، جلوگیری از شرکت پیروان در سیاست و... قابل مشاهده است.

### تحلیل جامعه‌شناختی از شکل‌گیری بهائیت

برای تحلیل دقیق‌تر نقش دشمنان اسلام و تشیع در سرمایه‌گذاری برای تفرقه و پراکندگی میان مسلمانان و بهره‌گیری سیاسی - اجتماعی از اوضاع نابه‌سامانی که ایجاد کرده‌اند، بررسی آیین بهائیت از نگاه جامعه‌شناختی لازم می‌نماید. چنان که پیش از این نیز به کوتاهی گذشت، قرن سیزدهم هجری، قرن ظهور مسلک‌های انحرافی برای از بین بردن اسلام به شمار می‌رود. ایجاد تنش در عرصه سیاسی - اجتماعی مسلمانان و به ویژه شیعیان، قدرت‌های جهانی را بر آن داشت که به پشتیبانی از مسلک‌های نوپدید پردازند. یکی از نویسندگان معاصر که تحقیق جامعی در موضوع «بهائیت در ایران» انجام داده، با توجه به مسایل سیاسی - اجتماعی نیمه دوم قرن سیزدهم، این پدیده را چنین تحلیل کرده است: [۲]. اگر از زاویه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی به این تحولات نگریسته شود، روند مقابله با اقتدار سیاسی مذهب شیعه که در دوره‌ی قاجار در ایران و در میان عموم مردم حاکم بود، به خوبی دیده می‌شود. مقام نیابت عامه امام زمان (عج) که شیعیان برای مراجع و فقهای خود قایلند - نقطه‌ای کلیدی در اندیشه‌ی سیاسی شیعه است. پیروی از نایب عام امام زمان (عج) به شیعیان این امکان را می‌دهد که در هر عصری حکومت مورد نظر و اعتقاد خویش را پایه‌گذاری کنند. معصوم ندانستن این نواب عصر علیه‌السلام و پیروی از اعلم و اعدل فقها ضمن انتخابی بودن مرجع و امکان تغییر آن در هر زمان ضمانت اجرای خوبی برای دور ماندن اسلام و مدیریت جامعه اسلامی از برداشت‌ها و مدیریت‌های نادرست است. انتخابی بودن مرجع و ولی فقیه، برآورنده‌ی مردمی بودن آن و امکان تغییر مرجع یا ولی فقیه با سلب عدالت، یا اعلمیت از او ضمانت‌کننده‌ی حفظ دین و مدیریت آن از کج‌اندیشی‌ها و ناتوانی‌ها است. اگر این نیابت عام به نیابت خاص مبدل شود، دیگر امکان انتخاب، تغییر و سرپیچی از آرای خودسرانه‌ی فردی که نایب خاص تلقی شده و فرمان‌های خود را به امام معصوم (ع) نسبت می‌دهد، از بین می‌رود. به این ترتیب هر گونه تعبیر و تفسیر از دین از سوی نایب خاص امکان‌پذیر می‌شود و در نتیجه هم محتوای دین و هم حاکمیت آن با بحران روبه‌رو می‌گردد. این وضع در بلندمدت نتیجه‌ای جز سرخوردگی از دین و جدایی آن از سیاست نخواهد داشت. به این ترتیب، در گرایش شیخی‌گری نیز از لحاظ سیاسی، تشکیل حکومت دینی با مشکل بزرگی روبه‌رو خواهد شد. این فرقه بر حساس‌ترین نقطه‌ی باور سیاسی مکتب شیعه در زمان غیبت کبری انگشت می‌گذارد که سر منشأ اقتدار روحانیت شیعه می‌باشد. بعد از بی‌اعتبار شدن اصل نیابت عامه‌ی امام عصر (عج) با ملغی کردن دین اسلام از جانب



میرزا علی محمد شیرازی (باب) و حسین علی نوری (بهاء‌الله)، این حرکت به سوی نابودی کامل دین اسلام پیش می‌رود. مخالفت با وجود قشری به نام فقها که در مکتب اسلام (چه در شیعه و چه سنی) برای تفسیر متشابهاات [۳] و در صورت تشکیل حکومت اسلامی، برای مدیریت جامعه در نظر گرفته شده است، [۴] در اندیشه‌های باب و بهاء به حدی است که وجود چنین قشری را در آیین بهائیت ممنوع اعلام می‌کنند. [۵]. از این رو، عده‌ای که از اقتدار روحانیت، به علت پیروی از مکتب شیخیه جدا شده بودند، به سادگی در دامن آیین جدید یعنی «بائیت» افتادند. این که معانی جدید اعتقادی و رفتاری از سوی علی محمد باب با قصد بهره‌برداری سیاسی بیان شده است یا خیر، فعلاً مورد بحث ما نیست؛ هر چند ردپای دولت روسیه در ایجاد این نوگرایی دینی، یا دست کم کمک به ایجاد آن دیده می‌شود. چنان که در قسمت‌های پیشین این سلسله نوشتار اشاره شده است. ولی باید دانست که شکسته شدن اقتدار مذهب شیعه در ایران در واقع به معنای شکسته شدن اقتدار ملی در این کشور است. به نظر می‌رسد حمایت روسیه و سپس انگلستان و بعد از آن اسرائیل و ایالات متحده‌ی آمریکا از این فرقه، انگیزه‌های مهم‌تر از شکستن اقتدار ملت ایران نداشته باشد. البته باید یادآور شد که شواهد نشان می‌دهد هیچ مکتبی نمی‌تواند جایگزین مکتب ریشه‌دار و عمیق شیعه در کشوری که به کشور امام زمان علیه‌السلام مشهور است، شود. افزون بر این، در مکتب بهائیت پراکنندگی و سردرگمی به گونه‌ای است که همواره مانند یک بمب خوشه‌ای فرهنگی، در آن رهبر تازه‌ای ظهور می‌کند، مکتب جدیدی احداث می‌شود و فکر نویی مطرح می‌گردد. وعده‌ی این نو به نو شدن‌ها در گفتار علی محمد باب نیز داده شده است؛ در آن جا که او از آمدن پیامبران آینده (!) و «من یظهره الله» (!) سخن می‌گوید. و در دوران جدید، این معنا را اسماعیل رائین در کتاب «انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی» پی‌گیری کرده است که خوانندگان را به آن کتاب ارجاع می‌دهیم. ناگفته نماند که در دوره‌های بعد دست‌اندرکاران مسلک بهائیت برای جلوگیری از فروپاشی و حفظ طرفداران به چاره‌جویی افتادند؛ لذا در دوره‌ی شوقی افندی تشکیلات این مسلک به صورت نوعی حزب درمی‌آید و همین حرکت حزب گونه‌ی بهائیت در سطح بین‌المللی است که تا حدی آن را از متلاشی شدن در دام تفرقه‌ها دور می‌دارد.

## ادعای الوهیت

شاید به سادگی باور کردنی نباشد که در نوشته‌های «باب» و «بهاء» از الوهیت و ربوبیت آن‌ها سخن رفته است و درباره‌ی جلال و جبروت خود، رجزها خوانده‌اند. به گونه‌ای که خود را «اصل قدیم» و «رب جلیل» دانسته و زمین و آسمان را ساخته‌ی دست توانای خود، بلکه آفریده‌ی صدای نوک قلم خود خوانده‌اند. همه‌ی انسان‌ها، حتی فرشتگان و مردگان هزار سال پیش را بنده‌ی خاکسار و آفریده‌ی ناچیز خود دانسته، جهانیان را به پرستش خود دعوت نموده‌اند. به راستی چگونه می‌توان این یاهوها را باور کرد؟ اگر چنین باشد، خود، قلم بطلان بر عقاید و مسلک خود کشیده‌اند. اینک به بخشی از نوشته‌ها و گفته‌های آنان، که مستقیماً از کتاب‌هایشان نقل می‌شود، توجه فرمایید. ۱. سید علی محمد در نامه‌ی خود به یحیی (صبح ازل) چنین نوشت: هذا کتاب من الله الحی القيوم الی الله الحی القيوم قل کل من الله یبدون قل کل الی الله یعودون. [۶]. این نامه‌ای است از خدای زنده و برپا دارنده‌ی جهان (باب) به سوی خدای زنده و برپا دارنده‌ی جهان (صبح ازل) بگو همه از خدا آغاز می‌شوند و همه به سوی او باز می‌گردند! ۲. سید علی محمد باب در کتاب «بیان فارسی» [۷] (واحد اول، باب اول) نوشت: کل شیء به این شیء واحد (علی محمد باب) برمی‌گردد، و کل شیء به این شیء واحد خلق می‌شود و این شیء واحد در قیامت بعد [۸] نیست؛ الا- نفس من یظهره الله [۹] الذی ینتطق من کل شأن اننی انا الله لا- اله الا- أنارب کل شیء و ان ما دونی خلقی، أن یا خلقی ایای فاعبدون. ۳. شبیه همین تعابیر را حسین علی نوری (بهاء) در کتاب اقدس، فقره‌ی ۲۸۲ آورده است: یا ملاً الانشاء اسمعوا نداء مالک الأسماء انه ینادیکم من شطر سجنه الأ-عظم انه لا- اله الا- أنا المقتدر المتکبر المتسخر المتعال العلیم و الحکیم انه لا- اله الا- هو المقتدر علی العالمین. ۴. میرزا

حسین علی نیز در نوشته‌ای به هادی دولت آبادی خطاب می‌کند: ظلم تو و امثال تو به مقامی رسید که در قلم اعلی [۱۰] به این اذکار مشغول. خف عن الله، ان المبشر قال: انه ينطق في كل شأن اننى انا الله لا اله الا الله انا المهيمن القيوم. [۱۱]. از خدا بترس، و مبشر (باب) گفته که او (من يظهره الله) همواره و همه وقت چنین سخن می‌گوید که من خدایم، جز من مهیمن قیوم خدایی نیست. ۵. و نیز وی، در «لوح هیکل» بر تخت الوهیت می‌نشیند و هیکل جمالی، کینونت و ذات خویش را همانند جمال و ذات خداوند می‌داند: لا-یری فی هیکلی الا-هیکل الله و لا فی جمالی الا جماله و لا فی کینونتی الا کینونته و لا فی ذاتی الا ذاته... و لا یری فی ذاتی الا الله. [۱۲]. ۶. میرزا حسین علی، خود را همان معبود برشمرده و دیگران را به عبودیت خویش فرامی‌خواند: من توجه الی قد توجه الی المعبود كذلك فصل فی الكتاب و قضی الأمر من لدی الله رب العالمین. [۱۳]. ۷. این معبود بشری، می‌میرد و پس از مرگ، غلام حلقه به گوشش، چگونگی رو سوی آفریدگار آوردن را تبیین می‌کند و در پاسخ پرسش گری که پرسید: قبله کجاست؟ می‌گوید: مکان روی آوردن (و قبله)، مقبره‌ی مقدس (!) او. یعنی حسین علی نوری - به نص قطعی الهی است که خدای، آن را مطاف ملاً اعلی قرار داده است و روی آوری غیر از این مکان مقدس جایز نیست... [۱۴]. البته، حسین علی نوری پیش از این، بایه را دعوت به چنین کاری کرده بود و تذکر داد که وی قبله‌ی آنان است [۱۵] در هر جا که باشد. ۸. میرزا حسین علی بهاء در کتاب اشراقات، خود را «سلطان و نازل کننده‌ی بیان» (ص ۳۷)، و کنزالمخزون (ص ۹۴)، و قلم اعلی (ص ۷۹)، قیوم (ص ۶۸)، (اراده‌ی الله و) مشیة الله، مظهر اسماء و صفات خدا، مظهر نفس الله، مشرق امر خدا، مولی الوری، (ص ۴) و سدره‌المتهی (ص ۱۱۷) برشمرده است و نامه‌های خود را به جای نام خدا، به نام خود شروع می‌کرد و به جای بسم الله الرحمن الرحیم، به «باسمی المهیمن علی الاسماء» (ص ۱۴۷)، یا «باسمی المشرق من افق البلاء» (ص ۱۴۷) و... آورده است.

## تحلیل و بررسی

آن چه که آورده شد، نمونه‌هایی از خرافات «باب» و «بهاء» درباره‌ی الوهیت و ربوبیت آن‌ها بود. بدیهی است که اعتقاد به خدای عالم و حکیم و آفریدگار جهان هستی علاوه بر ادله‌ی عقلی و نقلی، در سرشت و درون هر انسانی هست که اگر درست هدایت گردد، جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. با این وصف، در طول تاریخ برخی به بیراهه رفتند و به جای پرستش خدای یگانه، به پرستش بت‌ها و خدایان ساختگی پرداختند و گروهی هم دوگانه پرستی (ثنویت) را در پیش گرفتند و برخی دیگر سر از تثلیث و سه گانه پرستی درآوردند. پیامبران الهی، مهم‌ترین نکته‌ی دعوت خود را، توحید و پرستش خداوند متعال قرار دادند. قرآن کریم، با یادآوری مأموریت و رسالت گروهی از پیامبران الهی مانند: نوح، صالح، هود و شعیب علیهم السلام، سخن آنان را درباره‌ی بندگی خداوند می‌آورد که به مردم چنین می‌گفتند: (... یا قوم اعبدوا الله مالکم من اله غیره). [۱۶]. قرآن، بت‌پرستی را محکوم و گناه شرک را قابل بخشش نمی‌داند [۱۷] و از بت‌شکن تاریخ و منادی توحید، حضرت ابراهیم علیه السلام یاد می‌کند و برهان‌های الهام‌بخش و سخنان زیبای او را در محکومیت بتان، نقل می‌کند. [۱۸]. قرآن، یهود و نصاری را درباره‌ی این که «عزیر» و «عیسی» را فرزندان خدا می‌نامیدند نکوهش کرده [۱۹] و آن را نوعی بت‌پرستی می‌داند. هم‌چنان که گروهی از بت‌پرستانی که فرشتگان را خدا می‌دانستند، سرزنش می‌کند و خداوند را از خویشاوندی با هر موجودی منزه می‌داند. [۲۰] در این جا انحراف عقیدتی برخی از پیروان حضرت عیسی علیه السلام را یادآور می‌شود و می‌فرماید: و آن گاه که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!...»، (او می‌گوید): منزهی تو! من حق ندارم آن چه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می‌دانی، تو از آن چه در روح و جان من است، آگاهی و من از آن چه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! به یقین تو از تمام اسرار و پنهانی‌ها باخبری. من، جز آن چه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آن‌ها نگفتم. (به آن‌ها گفتم): خداوندی را پرستید که پروردگار من و پروردگار شماست... [۲۱]. در دیدگاه قرآن، آنان که

حضرت عیسی را خدا یا فرزند خدا [۲۲]، یا یکی از خدایان سه گانه [۲۳] می‌نامند، کافرند و لذا به پیامبر اسلام (ص) دستور داده شده که به نصارا بگوید: بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما عادلانه است برویم؛ این که جز خدای چیزی را نپرستیم و برای او شریکی قایل نشویم و همدیگر را به جای خدا، به نام رب نخوانیم. [۲۴]. این تأکید در جای جای قرآن کریم آمده است. چنان که مأموریت همه‌ی پیامبران را توحید و پرستش خداوند بزرگ دانسته [۲۵]، و همه‌ی مردم را به آن فراخوانده است [۲۶] و بالأخره حکم پروردگار جهانیان بر این تعلق گرفته که غیر او پرستش نشود. [۲۷]. با توجه به این آیات و نیز دستورهای دیگر قرآن کریم، نکته‌ای دیگر از تعالیم قرآن را می‌بینیم که برای جلوگیری از این که مسلمانان درباره پیامبر و سایر رهبران دینی خود به این گونه لغزش‌ها و انحرافات فکری دچار نشوند، و آن‌ها را خدا، فرزندان خدا، همه‌کاره‌ی خدا، رب و... و خود را بندگان آنان نپندارند. آن‌ها را به جای خدا نپرستند و در نتیجه گمراهی‌ها، بدآموزی‌های تخیلات و بت پرستی‌ها را به دین مقدس اسلام راه ندهند، پیشگیری‌های به جایی کرده است، مانند این که به پیامبر اسلام (ص) دستور می‌دهد، بگو همانا من بشری مثل شما هستم؛ تنها امتیازی که دارم این است که از جانب خداوند به سوی من وحی فرستاده می‌شود. [۲۸] و نیز می‌فرماید: انک میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمه عند ربکم تختصمون. [۲۹]. تو و آن‌ها همگی خواهید مرد و روز واپسین پیش پروردگارتان محاکمه خواهید شد و در جای دیگر می‌فرماید: و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم علی اعقابکم. [۳۰]. محمد (ص) شخصی جز فرستاده‌ی خدا نیست و پیش از او هم پیامبرانی آمده و رفته‌اند. اگر او نیز مثل گذشته‌اش مرد یا کشته شد، آیا به گمراهی گذشته‌تان برمی‌گردید؟! با توجه به نکاتی که گفته شد، متأسفانه هواپرستی و گمراهی در سران باییت و بهائیت غالب گردید و آنان را به انحراف بزرگی دچار کرد، به طوری که از موقعیت به دست آمده سوء استفاده کرده، خود را در برابر پیروان غافل، «رب» جلوه دادند و ادعای خدایی کردند. تعابیر نادرستی که در کتاب‌های بهائیان آمده است، موجب بیزاری هر عقلی می‌گردد. چگونه برخی می‌پندارند که جمال اقدس ابهی - حسین علی نوری - بر تخت ربوبیت کبری و جمال اقدس ابهی تکیه زد و با اسما و صفاتش بر اهل زمین تجلی می‌کند. [۳۱]. این نوع تعالیم کجا و آموزه‌های اسلام کجا؟ اسلام، مردم را به پرستش خالق هستی فرامی‌خواند و بهائیان افراد را به پرستش مخلوق ضعیف دعوت می‌کنند. آیا چنین آیینی جز شرک چیزی دیگری است؟! جا دارد یک بار دیگر فریب خوردگان این فرقه که اظهار می‌کنند اسلام را - هم - به عنوان یک دین آسمانی قبول دارند و قرآن را به عنوان کتاب وحیانی حضرت محمد (ص) می‌پذیرند، در آیات قرآنی تأمل و دقت کنند که می‌فرماید: (و قال ربکم ادعونی أستجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین) [۳۲]. پروردگار شما گفته است، مرا بخوانید تا «دعای» شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.

### گزارش یکی از مبلغان بهائیت درباره‌ی ادعای الوهیت بهاء

براساس اطلاعات رسیده، برخی از خوانندگان این مجله سلسله نوشتار حاضر را به دست عده‌ای از فریب خوردگان مسلک بهائیت می‌دهند تا از حقایق آگاه شوند و اندکی به خود آیند و با تأمل در نوشته‌ها و سخنرانی‌های رهبران بهائیت به ادعای دروغین آنان پی ببرند. از این رو در این بخش به نقل توضیح و اعتراف یکی از مبلغان بهائیت - که پس از بیست سال تبلیغ این مسلک، به دین اسلام هدایت شده - می‌پردازیم تا درس عبرتی برای دیگران باشد. عبدالحسین آیتی در کتاب کشف الحیل پاسخ پرسشی را از آواره چنین آورده است: آیتی: راستی ذکر الوهیت بهاء چه صورتی دارد آیا فی الحقیقه او دعوی خدایی کرده است؟ آواره: کلمات او را به دست آورید تا این حقیقت بر شما معلوم شود؛ هر چند چنان که گفتیم به ظاهر می‌گویند ادعای بهاء رجعت مسیح و رجعت حسین است، ولی در حقیقت ادعای او ادعای الوهیت است. [۳۳]. اگر کسی سالها در میانشان بماند، به جایی می‌رسد که صریحا می‌گویند: بهاء خدای مطلق است و خالق آسمان و زمین و مرسل رسل است و او است که در طور با موسی

کلیم تکلم کرده، حتی این را در نماز خود تصریح نموده، ولی در عباراتی که مگر یعرب بن قحطان بیاید عربی آن را درست کند یا بفهمد؛ زیرا چنین می‌گوید: «شهد الله انه لا اله الا هو له الامر و الخلق قد اظهر مشرق الظهور و مکلم الطور». در این جا باید فهمید که فاعل «اظهر» کیست و مفعول آن کدام؟! اگر فاعل «اظهر» خداست، مکلم طور که مفعول می‌شود چه کاره است؟ و گویا به دو خدا در این جا قایل شده، می‌گوید: خدا مکلم طور را ظاهر کرد. آیا مکلم طور غیر از خداست؟ کسی که با موسی در طور تکلم کرد همان خدا بود، پس خدایی که بهاء را ظاهر کرده کیست؟ و بهاء اگر خدا نیست چرا مکلم طور است؟ معلوم می‌شود او خدایی دو آتشه است که از یک طرف خدا او را ظاهر کرده و از طرفی مکلم طورش ساخته! اما عجب است که ما از این عبارت تعجب می‌کنیم، که مفهوم آن اثبات دو خدا است در صورتی که در قصیده‌ی «عزور قائیه» که یک دسته مهملائی است که به گوش هیچ عربی نخورده به هزاران خدا قایل شده، می‌گوید: کل الألوه من رشح أمری تألهت و کل الربوب من طفح حکمی تربت أرض الروح بالأمری قدمشی و عرش الطور قد کان موضوع وطئی. همه‌ی خدایان از رشحی امر من خدا شدند همه‌ی پروردگاران از طریق حکم من پروردگارند. زمین روح به واسطه امر به سبب من در آن راه رفته شد و قله‌ی طور محل گام نهادن من است. [۳۴]. نویسنده‌ی کشف الحیل، سپس با طرح ادعاهایی مشابه از سوی غلام‌احمد قادیانی، از بهائیان می‌پرسد: کدام یک از این ادعاها حجت است؟ و در ادامه آورده است: اگر ادعای الوهیت را باید حجت دانست که بهاء، «اننی انا الله» گفته است، اولاً باید فهمید که (آیا) این ادعا مشروع است؟ معقول است یا نه؟ هر کسی می‌داند که یک بشری که نتوانسته است از هیچ شأنی از شئون بشریت و از هیچ قانونی از قوانین طبیعت تجاوز کند، این بشر خالق سماوات و ارضین نیست. خالق کل هر چه باشد و به هر وصفی درآید خواه اله باشد و یا طبیعت یا ماده واحده یا جوهر الجواهر یا بسیط الحقیقه یا مجهول النعت یا به هر اسم دیگر خوانده شود مقدس از شئون بشری است. اما این که (بهائیان) آیات لقاء [۳۵] را دلیل بر خدایی بهاء گرفته‌اند، اولاً این آیات لقاء یک آیات متشابه‌ای است که کسی هنوز مقصد اصلی آن را دریافته. به طرق مختلف علمای تفسیر در معنی آن سخن گفته‌اند و لذا نمی‌توان به چنین آیات قابل تأویل استدلال کرد. ثانیاً این طایفه اول کسی نیستند که خدایی بهاء را به آیات لقاء استدلال کرده باشد. قبل از ایشان هم، هر کس دم از «اننی انا الله» می‌زده، به همین آیات استدلال کرده، پس استدلال به آن آیات یک مقام ابداع و اختراعی را برای این طایفه باقی نمی‌گذارد و استدلال به این آیات مثل استدلال آن شخص است که داعیه‌ی نبوت کرده، او را نزد خلیفه (هارون‌الرشید) بردند، خلیفه به او گفت: مگر حدیث «لانی بعدی» را نشنیده‌ای؟ گفت: چرا، شنیده‌ام و همین حدیث دلیل بر نبوت من است؛ زیرا منم آن «لا» که فرموده است بعد از من نبی است؛ (لانی بعدی) یعنی «لا» بعد از من نبی خواهد بود. ثالثاً با فرض این که بگوییم آیات لقاء دلیل است بر این که یک روزی خدا دیده شود و مردم او را ملاقات کنند، باز دلیل خدایی بهاء نمی‌شود؛ زیرا نه در آیات لقاء تعیین روز شده نه تعیین اسم. در صورتی استدلال این‌ها صحیح بود که خدا فرموده باشد که من در فلان سال و فلان روز در لباس میرزا حسین علی بهاء جلوه می‌کنم و لقای او لقای من است!!! آواره، در پایان این بخش می‌افزاید: باز هم می‌گویم: خدا سلامت بدارد یک مبلغی را که مثل خودم به قدر ذره‌ای به مذهب بهایی عقیده ندارد و به اصطلاح امروزه فقط برای خرسواری به نشر این امر مشغول است، می‌گفت: بین چه طور مردم را احق کرده‌اند که یک خدای به آن عظمت را که ما معتقد بودیم که حی است و قدیر است و سمیع و بصیر است و دارای اسمای حسنی، او را در لباس بشر محدودی درآوردند که دقیقه‌ای قادر نبود که خود را از یک عارضه‌ی طبیعت حفظ کند؛ یعنی «میرزا حسین علی بهاء» و اکنون هم به آن یکی قناعت نکرده، هر روزی می‌خواهند یک بچه خدا و نیم خدا برای مردم بسازند. حتی زنان این عایله هر یک در پی یک چهار یک خدایی می‌کردند و در لفافه‌ی عبارات و اشارات به اطراف چیزها نگاشته، خود را صاحب الواح و مقامات می‌شمرند: امور تضحک السفهاء منها و بیکی من عواقبها اللیب. [۳۶]. آری، به طرفداران بی‌خبر این مسلک ساختگی باید گفت: (و من یقل منهم انی اله من دونه فذلک نجزیه جهنم و کذلک نجزی الظالمین) [۳۷]. و هر کس از آن‌ها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»،

کیفر او را جهنم می‌دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد.

## پاورقی

- [۱] حسین علی (بهاء) نوری، در کتاب اقدس، ص ۲۳ می‌نویسد: «قد عفا الله عنکم ما نزل فی البیان فی محو الکتب»، خداوند از حکمی که در کتاب بیان آمده که همه‌ی کتاب‌ها را نابود سازید، صرف نظر کرده.
- [۲] آن چه در این جا آورده می‌شود با تصرفی اندک از بخش نتیجه‌گیری فصل دوم کتاب «بهائیت در ایران»، صص ۱۱۶ - ۱۱۵ نوشته دکتر سید سعید زاهد زاهدانی می‌باشد.
- [۳] ر. ک: آل عمران / ۷.
- [۴] اندیشه‌ی حاکمیت فقها و مجتهدان در حکومت اسلامی هم در آثار شیعه و هم اهل سنت آمده است و در این موضوع کتاب‌های مستقلی هم تدوین شده است.
- [۵] یکی از ابداعات بهاء‌الله، نفی روحانیت و ملغا نمودن این نهاد است. وی ضمن این که به لزوم وجود مبلغان دینی اذعان دارد، ولی برای آنان هیچ وضع جداگانه‌ای از افراد عادی نمی‌پذیرد. به عقیده‌ی او زندگی مبلغان دینی می‌باید درست مثل دیگر افراد جامعه باشد و قشر متمایزی را تشکیل ندهند. در این باره، دستوری در کتاب بیان صادر کرده است.
- [۶] ر. ک: میرزا جانی کاشانی، نقطه‌الکاف، ضمیمه کتاب، به همت ادوارد براون.
- [۷] بیان فارسی کتابی است که علی محمد شیرازی در زمان تبعید در قلعه ماکو تألیف آن را آغاز کرد و تقریباً در مدت دو سال و نیم مشغول نوشتن آن بود و می‌خواست آن را نوزده «واحد» و هر «واحد» را نوزده «باب» قرار دهد، ولی نتوانست بیش از باب دهم از واحد نهم را بنویسد تا این که به اعدام محکوم گردید و وصیت کرد که یحیی (صبح ازل) آن را از روی «بیان عربی» کامل کند.
- [۸] علی محمد باب و نیز حسین علی بهاء معتقدند که قیامت هر دینی عبارت است از نسخ آن که به تشریح دینی بوده است؛ مثلاً دوران حیات حضرت عیسی (ع)، قیامت دین موسی (ع) بوده و دوران حیات پیامبر اسلام (ص) قیامت عیسی (ع) و مدت زندگی علی محمد، قیامت دین اسلام (نعوذ بالله) و زمان حیات حسین علی، قیامت آیین باب بوده است.
- [۹] باب، آن شخصی که پس از او خواهد آمد را، «من یظهره الله» می‌نامید، و بهائیان معتقدند که مقصود از آن، حسین علی بهاء است. ]
- [۱۰] مقصود از «قلم اعلی» خود میرزا حسین علی است.
- [۱۱] ر. ک: اشراقات، ص ۱۵۸. کتاب اشراقات، مجموعه‌ی الواح بهاء است که در ۲۹۵ صفحه به چاپ سنگی نشر یافته است. نمونه‌های دیگر، شبیه این سخن در کتاب اشراقات، صص ۹۰، ۱۹۴، ۲۴۰، و ۲۶۵ آمده است.
- [۱۲] و نیز ر. ک: اسلمنت (مبلغه‌ی بهایی) بهاء‌الله و العصر الجدید، ص ۵۰.
- [۱۳] اقدس، فقره ۲۹۸.
- [۱۴] فتوی عبدالبهاء، به نقل از خاوری، اشراق، «گنجینه‌ی حدود و احکام» صص ۲۰ و ۲۱.
- [۱۵] اقدس، فقره‌ی ۲۹۲ و ۲۹۳.
- [۱۶] اعراف / ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵.
- [۱۷] ر. ک: انبیاء / ۶۰؛ انعام / ۷۶، ۷۷.
- [۱۸] ر. ک: صافات / ۸۵ - ۹۶.
- [۱۹] توبه / ۱۳.

[۲۰] اسراء / ۴۰.

[۲۱] مائده / ۱۱۶ - ۱۱۷.

[۲۲] مائده / ۷۸.

[۲۳] مائده / ۷۹.

[۲۴] آل عمران / ۵۹.

[۲۵] انبیاء / ۲۵، نحل / ۳۶.

[۲۶] نحل / ۵۱.

[۲۷] بنی اسرائیل / ۲۳.

[۲۸] ر. ک: کهف / ۱۰۷؛ فصلت / ۶.

[۲۹] زمر / ۳۱.

[۳۰] آل عمران / ۱۴۴.

[۳۱] دروس فی الدیانة البهائیه، ص ۸۱: انه الیوم استوی علی عرش الربوبیة الکبری جمال الأقدس الأبهی و یتجلی علی اهل الأرض بكل اسمائه الحسنی و صفاته العلیا.

[۳۲] غافر / ۶۰.

[۳۳] اسم اصلی «آواره» حاج شیخ تفتی بوده است که مدت بیست سال با کمال صمیمیت در میان بهائیان بوده و به ایشان خدمت می‌نموده و به سبب ادعای دروغین و حرف‌های باطل آنان، از اشتباه‌های خویش توبه کرد.

[۳۴] کشف الحیل: ۱ / ۵۵ - ۵۶، چاپ ششم.

[۳۵] مقصود آیاتی است که با اخذ به ظاهر آن، می‌توان گفت خداوند قابل دیدن است. مثل «یا ایها الانسان انک کادح الی رب کدحا فملاقیه» یا «الی ربها ناظرة» و ...

[۳۶] کشف الحیل: ۱ / ۵۷ - ۵۸.

[۳۷] سوره‌ی انبیاء / ۲۹.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

